

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Poitical

سیاسی

داکتر میر عبدالرحیم عزیز

۰۹ سپتمبر ۲۰۱۱

سرافگندگی دایمی حامیان احمد شاه مسعود

دهمین سال قتل احمد شاه مسعود فرا رسیده است. در مورد خیانت های این شخص به افغانستان چیزی باقی نمانده که گفته نشده باشد. تمرکز این نوشته بر حامیان متواری وی است که از فرط خجالت و رو سیاهی به هر طرف خزیده اند و آه نمی کشند. حامیان مسعود به سه گروه تقسیم شده اند. اول گروه خس و خاشاک و پادو ها که به هر سو دویدند و به هر در کوبیدند، اما چیزی نصیب نشدند و حالا مایوسانه خاموش گشته اند. گروه دیگر با استفاده از قرارداد های چاق استعماری صاحب ان جو او ها (NGO) و مؤسسات تجارتي وابسته به استعمار اند و از این طریق ثروت هنگفتی را به جیب زده اند. گروه نابه کار سوم را کسانی را تشکیل می دهند که به وسیله استعمار در پست های سیاسی وزارت، سفارت و سایر مقامات دولت مستعمراتی گماشته شده اند و مصروف عیش و نوش و قاپاق بری اند. وجه مشترک هر سه گروه شرمساری دایمی در دفاع از اعمال ضد ملی و میهن فروشانه رهبر شان است. قتل عام اهل تشیع در افشار و ویرانگری شهر کابل به وسیله مسعود و سایر خون آشامان جهادی بی عزتی این بی عزتان را چهار چند ارتقاء داد.

سال ها قبل در روز هائی که قرار داد مخفی احمد شاه مسعود با قوای متجاوز شوروی افشاء گردید، حامیان شورای نظار احمد شاه مسعود قیل و قال به راه انداختند و اظهار کردند که امضای چنین قرار داد ننگ آور از شأن قهرمان شان به دور بوده و آن را یک توطئه از جانب دشمنان شان پنداشتند. اما زمانی که اسناد غیر قابل انکار به ارتباط خیانت احمد شاه مسعود به افغانستان و جهاد، مطبوعات درون مرزی و بیرون مرزی را پر کرد، به عقب نشینی خجالت باری تن در دادند. این بار اظهار کردند که قهرمان شان بر مبنای اهداف ستراتیژیک قرار داد مخفی را با قوای متجاوز شوروی امضاء نمود. متوجه شوید که ادعای دومی چه رجعت خفت آوری از پافشاری اول شان است که آنرا صرف اتهام می دانستند. اگر روحیه قرار داد به دقت مورد ارزیابی قرار گیرد، پی می بریم که احمد شاه مسعود برای به دست آوردن امتیازات در آینده به همه تعهدات اخلاقی و سیاسی خود با مردم میهن و مجاهدین هم سلکش پشت پا زد. متن این قرار داد را در پائین ملاحظه نمائید تا به عمق خیانت، غبن و ریاکاری وی پی ببرید.

معاهده مخفی بین احمد شاه مسعود و قوای اشغالی شوروی در افغانستان

در مورد شرایط روابط دو جانبه بین رهبری قوای اشغالی شوروی در افغانستان و مخالفین مسلح پنجشیر با نیت نیک و به آرزوی تحکیم صلح در افغانستان، طرفین عاقدین با پذیرش وجایب ذیل این معاهده را امضاء می نمایند.

۱. گروه مسلح پنجشیر کلیه عملیات نظامی خود را در سالنگ جنوبی و مناطق همجوار متصل به شاهراه کابل - حیرتان، بشمول استعمال هر گونه اسلحه در مناطقی که بدست قوای مسلح پنجشیر قرار دارد، علیه مواضع قوای شوروی، قوای افغانی، محافظین سرحدی (MGB) و خاندوی (Tsarandoi) متوقف سازد.
۲. گروه مسلح پنجشیر مسولیت حفظ خطوط مخابراتی بین تاجیکان (Tadzhikan) و چاگانی (Chaugani) را بدوش گرفته و مانع حمله، قطاع الطریقی و سائر اعمال خصمانه علیه قوای شوروی و افغانی گردد.
۳. طرف شوروی طبق موافقه دو جانبه مسولیت تهیه تدارکات، ضروریات فوری و سائر مواد مورد احتیاج را برای تقویه و نگهداری پنجشیر و سائر مناطق متعلقه بر حسب وقت تعیین شده بدوش میگیرد.
۴. به سائر گروه ها و دسته جات مسلح اجازه داده نخواهد شد تا در مناطق مربوطه داخل شده و علیه قوای شوروی و قوای افغانی دست به حملات تروریستی و تخریبی زده و پایب لاین را منهدم نمایند.
۵. تبادلہ معلومات و مساعی مشترک در جهت پیدا کردن اتباع شوروی و افغانی که در منطقه مورد بحث مفقود شده اند صورت خواهد گرفت.
۶. در صورت خلق و اوج تشنج، مشاوره لازم در مورد اجتناب عملیات جنگی و برقراری صلح در منطقه مورد نظر بین دو جانب بعمل خواهد آمد.
۷. موثریت این پروتوکول در سرتاسر قلمرو ۳۰ کیلو متری در هر دو سمت بین تاجیکان (Tadzhikan) و چاگانی (Chaugani) امتداد خواهد یافت. در ماورای این قلمرو، قوای شوروی و قوای مسلح پنجشیر حق دارند تا عملیات نظامی را علیه سائر گروه های مسلح متعلق به دیگر تنظیم های مجاهدین براه انداخته و ایشان را محو نمایند. خصوصاً گروه های که عملیات نظامی را علیه هر دو جانب متعاقدین متوقف نساخته است.
۸. پروتوکول حاضر از لحظه امضاء و صحه گذاشتن به آن مرعی الاجرا میشود.

منبع معلومات: عملیات گروه MO SSSR در افغانستان، دسامبر ۱۹۸۸ (این سند بوسیله جنرال گرموف، جنرال تتی و احمد شاه مسعود امضاء گردید)، (شبارشین ۱۷۷-۲۱۴) Shebarshin

هم میهنان متوجه می گردند که مواد دوم، چهارم و هفتم این قرار داد مخفی و ضد ملی کلاً علیه کشور و سایر گروه های مجاهدین است که احمد شاه مسعود در ظاهر با آنها مشترکاً بر ضد شوروی جهاد می کرد. در آن وقت نه از

طالبان خبری بود و نه از تروریزم که احمد شاه مسعود بر ضد آنها مبارزه نماید. اسناد بعدی هم ثابت ساخت که احمد شاه مسعود در بدل پول و غضب قدرت حاضر به تجزیه افغانستان به شمال و جنوب شد تا خودش در افغانستان شمالی در اریکه قدرت تکیه زند. با این افشاءگری ها، حامیان مسعود بیشتر تاب مقاومت نیاورده به غار ها پناه بردند.

در سایت <http://www.militaryphotos.net/forums.showthread.php?t=13290> این مضمون به زبان انگلیسی گزارش یافته که ترجمه دری آن را ملاحظه می فرمائید"

گریموف افشاء میکند، حینیکه اولین گروه عساکر روسی بندر حیرتان واقع در سرحد افغانستان - ازبکستان را از طریق زمین به قصد کابل ترک می گفتند، شوروی ها هراس داشتند که عبور عساکر شان از دره سالنگ و قله های مرتفع دره پنجشیر که بوسیله مجاهدین احمد شاه مراقبت میشد، نه تنها مشکل به نظر میرسید، بلکه ناممکن بود. گریموف اظهار داشت که لشکر جهادی قومندان معروف، احمد شاه مسعود، میتواندست که صرف با انداختن سنگ این ساحه را به قبرستان عساکر روسی تبدیل کند.

گریموف خاطر نشان میسازد که احمد شاه مسعود در عوض از کمک های روس کماکان مستفید میشد. او میگوید که مسعود بعضی اوقات جنگ های ساختگی را با روس ها بره می انداخت تا از بدگمانی سایر گروه های مجاهدین در مورد فعالیت های وی طفره برود.

گریموف اظهار میدارد که شوروی ها هراس داشتند که مسعود مبدا از موافقتنامه بهره برداری های ناجایز نماید، لکن مسعود بر اساس روحیه قرار داد عمل نموده و از خلق مشکل برای قوای روس تا زمان خروج آنها در سال ۱۹۹۸ اجتناب ورزید .

بر مبنای همین اسناد انکار ناپذیر است که گروه میهن فروشان شورای نظار و حامیان بی هویت و خاک فروشان آنها خود را از انظار مخفی نگه می دارند و توصیه استعمار هم برای آنها نیز چنین است.

حامیان میهن فروش ارشد الخائنین ادعا داشتند که احمد شاه مسعود از آغاز تا اخیر به ضد پاکستان مبارزه نمود. این طفیلی ها در زمان حاکمیت طالبان گاه گاهی در مقابل سفارت پاکستان تصنعی مظاهره می کردند و علیه مداخلات و تجاوزات پاکستان شعار می دادند. اما وقتی که استعمار آنها را در بدل فروش ناموس شان (خاک وطن) به قدرت رسانید، نه از تظاهرات و نه از شعار های ضد پاکستان خبری شد. هر یک به استثنای پادو ها به مقام و جایی رسیدند و ناموس وطن را به اجانب به شمول پاکستانی ها فروختند. یک فرد غدارتر این گروه که در مسند وزارت نظام مستعمراتی کابل تکیه زده است، سال ها می گفت که **"افغانستان مانند اسرائیل پوشالی است و باید بین ایران و پاکستان تقسیم شود."** به ارتباط رابطه احمد شاه مسعود با پاکستان باید گفت که احمد شاه مسعود مانند سایر رهبران جهادی از اواسط دهه ۱۹۷۰ در خدمت آی اس آی درآمد و از رهنمائی های تخریبی پاکستان علیه افغانستان مستفید گردید. هم میهنان ما حادثه شب جشن استقلال سال ۱۹۷۵ را خوب به یاد دارند که چطور احمد شاه مسعود و سایر افراد متعلق به آی اس آی خواستند شورش و ناآرامی را در افغانستان به راه اندازند و به تحریک پاکستان جمهوریت نو تأسیس افغانستان را تخریب نمایند. اینجانب مضمونی را به اسم "احمد شاه مسعود در استخدام سازمان جاسوسی پاکستان" نگاشته که اکنون در بعضی سایت ها موجود است. درین مضمون با استناد

کتاب و اسناد به شمول نوشته های شورای نظاریان هم میهنان را از روابط پنهانی احمد شاه مسعود با آی اس آی پاکستان آگاه ساختم. هیچ یک از بزذلان شورای نظار نتوانستند حتی یک کلمه آن را رد نمایند. این گروه بی فرهنگ فهمیدند که هر گونه پافشاری در رد وابستگی رهبر شان به آی اس آی رسوائی بیشتری را به دنبال خواهد داشت، لذا بهتر است که خاموشانه در کنجی پنهان شد.

احمد شاه مسعود به وابستگی و خدمت به یک سازمان جاسوسی اکتفاء نمی کرد. سعی نمود که در عین وقت با سازمان های جاسوسی کشور های مختلف ارتباط قایم نماید و حاضر شد در بدل پول و اعطای قدرت از سوی اجانب به او، به هر نوع خیانت و ذلت تن در دهد. این روش را تا آخرین لحظات حیاتش هم ادامه داد. در ساحة خیانت و خاک فروشی واقعاً می توان او را قهرمان نامید. کمتر فردی حتی در سطح منطقه پیدا می شود که بتواند در میهن فروشی با او رقابت نماید. بیشک که سلطان خاک فروشان بود (است). از زمره می توان ارتباطات غیر قابل انکار او را با واواک سازمان جاسوسی ایران نام برد. نویسنده این مطلب دوسال قبل نوشته ای را زیر عنوان "احمد شاه مسعود در استخدام سازمان جاسوسی ایران (واواک)" در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" به نشر سپردم و از رابطه پنهانی و علنی وی با واواک پرده برداشتم. چنگیز پهلوان جاسوس معروف نظام آخندی ایران در افغانستان به احمد شاه مسعود درس خیانت و جاسوسی می داد. پیروان بی هويت ارشدالخائنین در آغاز رابطه احمد شاه مسعود را با نظام آخندی بر مبنای اخوت اسلامی و هم زبانی و هم فرهنگی به مردم تبلیغ می کردند. اما زمانیکه روابط استخباراتی احمد شاه مسعود با واواک افشاء گردید، حامیان مسعود از خجالت و سر افگندگی سر بلند نکردند. نا گفته نباید گذاشت که فرزند احمد شاه در حال حاضر در ایران به سر می برد و زیر نظر مقامات سازمان استخباراتی ایران (واواک) برای آینده تعلیمات جاسوسی می بیند.

در جریان تأسیس روابط استخباراتی با کی جی بی، آی اس آی و واواک، احمد شاه مسعود با سی آی ای امریکا (CIA)، ام آی ۶ برتانیه (MI6) و دی جی اس ای فرانسه (DGSE) هم روابط برقرار نموده بود که در واقعیت روی همین دلایل است که حامیانش به وی لقب "قهرمان" را اعطاء نمودند. بدون کمترین شک و یا مبالغه، مسعود در کار خیانت به افغانستان و فروش خویش به سازمان های جاسوسی کشور های مختلف از خود نبوغ و استعداد بی نظیری نشان داد. روابطش با سی آی ای بعد از ظهور طالبان در صحنه سیاسی افغانستان و نفوذ روز افزون القاعده درین کشور بیشتر تحکیم یافته توسعه پیدا نمود. سی آی ای از روابط احمد شاه مسعود با تمام سازمان های جاسوسی مختلف آگاهی داشت، با آنهم سی آی ای از وی به حیث یک وسیله برای رسیدن به هدف استفاده می کرد. احمد شاه مسعود و ضیاء مسعود پول گزافی از سی آی ای به دست آوردند و وعده دادند که بن لادن را برای امریکا دستگیر ویا نابود می نمایند که اصلاً چنین وعده تحقق نیافت و سی آی ای هم خم به ابرو نیاورد و کذب و ریای مسعود ها را نادیده گرفت. در مورد ارتباطات احمد شاه مسعود با سی آی ای ده ها کتاب و مضمون به نشر رسیده است که حامیانش جرأت رد و یا تبصره بر آنها نداشته اند. هر خیانت و هر عمل ضد ملی احمد شاه مسعود برای حامیانش افتخار آفرین بوده و آنرا زاده نبوغ استثنائی قهرمان شان پنداشته و او را صاحب تفکر ستراتیژیک معرفی نموده اند. به عبارت دیگر روابطش با کی جی بی، آی اس آی، واواک، سی آی ای، ام آی ۶، دی جی اس آی و ده ها سازمان جاسوسی دیگر که تا کنون افشاء نگردیده زاده تعقل ماورای انسانی احمد شاه مسعود بود که از او ابر مرد!! زمان ساخته بود.

در روز های اول تجاوز امریکا به افغانستان و کشتار مردم ما، حامیان شرف باخته احمد شاه مسعود از خوشحالی در زمین قرار نمی گرفتند. خیر و جست ها و تحفه دادن ها به یک دیگر اوج سعادت و خوشبختی این طفاله ها بود.

زنان فریب کار و خریده شده شورای نظار که در کانگرس برای حقوق زن افغان گریه سر می دادند و موی می کردند، بعد از تجاوز امریکا و ناتو به افغانستان از همه مبارزات ساختگی دست کشیدند و حالا مصروف عیش و نوش اند. نه از حقوق زن افغان خبری است و نه از تجاوز پاکستان. از نگاه این خاک فروشان حرفه ئی، همه مردم باید فدای پستی های ایشان گردند. هر روزیکه از تجاوز امریکا به افغانستان می گذرد، به بی آبرویی حامیان احمد شاه مسعود افزوده می شود. به پیروی از رهبر خویش، این گروه ناموس فروش (خاک فروش) خود را به متجاوزین فروختند. درین ساحه هر یک سعی می نمایند تا از دیگران سبقت جسسه و خود را به نحوی بهتر به فروش برسانند. در همین جاست که یک تعداد آنها برای جلب توجه اربابان قدرت و متجاوزین از تقدیم ناموس خود هم خودداری نکردند.

قبل از به قدرت رسیدن، این فضلہ ها شعار های عدالت اجتماعی، مساوات، دموکراسی و صداقت را نشخوار می کردند. اما زمانیکه استعمار این گروه های نابکار را برای غارتگری و خیانت مقرر نمود، به جنورانی مبدل شدند. عوض عدالت اجتماعی، ظلم و خشونت را پیشه گرفتند. عوض مساوات، برتری نژادی و تقلب را شعار خود قرار دادند. عوض دموکراسی، دکتاتوری و بیرحمی را سرمشق کار خود ساختند و عوض صداقت، دزدی، جاسوسی و قاچاقبری را وظیفه اصلی خود تثبیت نمودند. این فعالیت های ضد بشری همان میراثی است که از رهبر ویرانگر شان به ارث برده اند. زنان شورای نظاری که روز گاری به بهانه حقوق زن و عدالت اجتماعی برای بازگشت رهبر خاک فروش خویش در مظاهرات زوزه می کشیدند و گریه و ناله می کردند، حال نه از حقوق زن حرفی به میان می آورند و نه از عدالت اجتماعی، چونکه زمان موی کندن ها و گریه کردن ها برای شان سپری شده است. مبارزه علیه مداخلات و تجاوزات پاکستان به افغانستان برای شورای نظاریان تا زمانی که در اریکه قدرت اند، یک موضوع باطل است. مداخلات ایران اصلاً برای شان مطرح نیست زیرا ایران در واقعیت پیشوای سیاسی و معنوی و مادی آنهاست. این گروه شرف باخته با متجاوزین همکار و همراه بوده و در انهدام افغانستان متجاوزین را معاونت می نمایند.

این گروه آنقدر بی حیا و فاقد شرف و آبرو اند که برای شان مهم نیست که نام شان در اوراق تاریخ چگونه و با کدام سیاهی ثبت می گردد. مقام، پول، دزدی، جاسوسی و قاچاقبری خصلت فطری این فرقه نابکار است.